

## آموزه‌های زندگانی حضرت زهرا سلام‌الله علیها

### مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۷۸-۷۵۵

سرشناسه: لقمانی احمد

عنوان و نام پدیدآور: آموزه‌های زندگانی حضرت زهرا سلام‌الله علیها/ لقمانی احمد

منشأ مقاله: ، پیام زن ش ۸۵ ، (فروردین ۱۳۷۸): ص ۱۲ - ۱۷.

توصیفگر: فاطمه زهرا(س)

### مقدمه

آنچه می‌خوانید شرحی است بر سلسله مباحثی که از این پس با عنوان (آموزه‌های زندگانی حضرت زهرا(س)) خواهیم داشت. در نخستین قسمت به عنوان مقدمه، ضمن شرح ضرورت این مباحث، دورنمایی نیز از محورها و فصلهای پیش‌بینی شده ارائه می‌گردد. دریافت دیدگاهها و پرسشهای شما خوانندگان عزیز در باره زندگانی صدیقه کبرا(س) و مسایل پیرامونی آن و نحوه طرح فرازهای زندگی و شعاعهایی از شخصیت آن بانوی بزرگ با جهت‌گیری الگودهی، می‌تواند بر غنا و کاربردی‌تر شدن مباحث کمک کند. در انتظار دریافت پرسشها و نقطه نظرهای تکمیلی شما نیز هستیم. (پیام زن) آغاز سخن ما ز بالا مییم و بالا می رویم ما ز دریا مییم و دریا می رویم ما از اینجا و از آنجا نیستیم ما ز هر جاییم آنجا می رویم همه ما انسانها با آغاز رشد خود به دنبال (نمونه)، (الگو) و (اسوه) هستیم. تا با بهره‌گیری از گفتار و پیروی از رفتار او، راه روشن و پرنویدی در زندگی خود شروع کنیم و پاسخ خود را برای (چگونه زیستن) به دست آوریم. این شیوه تربیتی در آموزه‌های فکری فرهنگی، جایگاه ویژه‌ای دارد و با عبارت (اسوه حسنه [۱]) بدان توجه شده است و از دیرباز اندیشمندان روانشناس و جامعه‌شناس

به آن پرداخته اند [۲].

صاحبان فکر و اندیشه با اشاره به آثار گرانبهای آن در فضیلت خواهی و کمال جویی، بصیرت بخشی در عرصه های مختلف اجتماعی و خردورزی در ارزشهای والای انسانی، همگان را در انتخاب اسوه های آسمانی و الگوی گرانبها تشویق نموده اند: استکبار که تاءثیر کیمیاگونه این شیوه را در عصرها و نسلهای مختلف مشاهده می نمود و تمامی پیروان این الگوهای شایسته و اسوه های حسنه را نیروهایی تازه نفس در سنگرهای ناپیدا در دفاع از ارزشهای انسانی الهی می دید، راهی دیگر برابر افراد بویژه جوانان گشود تا با تغییر فرهنگ جامعه، ارزشهای واژگون را برابر دیدگان آنان مطلوب و محبوب گرداند. از این رو نخست معیارهای سعادت و نیک بختی را دگرگون نمود و با استفاده از ابزارهای مختلف همچون رادیو، تلویزیون، سینما و مطبوعات و یا رواج فسادهای گوناگون همانند کشف حجاب با بهانه های رسیدن به دروازه تمدن (!) راه رشد و بالندگی را تغییر داد، سپس گرایشهای انسانها را در روی کردن به الگوهای گرانبها و شایسته دگرگون کرد، زمانی به شخصیتهای مورد علاقه مردم اتهامهای گوناگون زده [۳] تا آنان را از صحنه های سازنده اجتماع کنار نهد و زمان دیگری با انتشار کتاب آیات شیطانی، بزرگترین انسان هستی یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را با چهره ای تحریف شده و شخصیتی غیر واقعی به نگاههای مشتاق معرفی نمود تا دین را افیون، دین مداران را افسونگر و جوامع دینی را سرزمینهایی نفرین شده و بازمانده از هر گونه رفاه و سعادت بدانند. و سرانجام پس از تغییر بینش و گرایش آنان، اخلاق، رفتار، آداب و رسوم آنها را در اختیار خود قرار داده، با سپاه نامرئی و دستهای ناپیدا فرهنگ آن ملت را دگرگون نموده و آنان را برای همیشه اسیری مطیع و رام و آرام کند. حقیقتی که یکی از صاحب نظران بنام کشورهای استکباری به دوستان خود بیان نمود که: (اخلاق و آداب و زبان و تمدن خودتان را به اقوام و جوامع مورد علاقه سیطره خود بیاموزید و آنان را به حال خودشان واگذارید که (همیشه) از آن شما خواهند بود.) [۴]

نگاه تیزبین و دیده ژرف نگر رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای حفظه الله تعالی این شیوه شیطانی دشمن را حمله به عقبه جامعه اسلامی دیده که به طور آرام و مخفیانه با هجوم باورهای تازه صورت می گیرد و به دنبال تهی ساختن نسل نو از ارزشهای دینی و اصول انقلابی، دامن زدن به شهوات و بی بند و باریهای اجتماعی و منزوی ساختن اسلام از صحنه های سیاسی اجتماعی دنیا است. [۵] آنچه اینک توجه ما را به سوی خود می طلبد، افزون بر شناخت دسیسه های دشمنان در تغییر بینش نسبت به هستی و انسان و افشاندن بذر تردید و شک در دلهای لبریز از ایمان و یقین بی ارزش کردن مقدسات و باورهای آسمانی است که با تزریق افکار التقاطی و انحرافی با عنوان تحقیقات نوین در دین [۶]، و ایجاد تلخکامی با پرورش روحیه پشیمانی در پیروی از رهبران معصوم علیهم السلام و انسانهای وارسته که بیشترین شباهت را به معصومان دارند، انجام می پذیرد.

و در پی آن دمیدن روح بی تفاوتی نسبت به ارزشهای والای الهی و ایجاد جو خودباختگی در برابر فرهنگ بیگانه پدید آورد. بدون شک تنها گام موفقیت در پیروزی بر نقشه های شیطانی دشمنان، بینش و آگاهی نسبت به معارف ناب دینی، آشنایی واقعی با شخصیت الگوهای بی همتا، درساموزی از ابعاد مختلف زندگانی و به کارگیری سخنان و آموزه های آسمانی آنان خواهد بود. از این رو در (آغاز سخن)، نخست به زلال وحی رومی بریم تا اندکی از روشنای معرفت قرآن نصیب خود سازیم و نسبت به شخصیت الگوهای خداوندی، ویژگیهای پیروان خردمند و چگونگی تاءثیرپذیری هر یک از ما از آنان آگاهی یابیم.

## اسوه های سعادت

خداوند مهربان در سخنان خود، راه سعادت و نیکبختی انسانها را با دو جلوه ترسیم می کند: نخست ویژگیهای گوناگون دین باوران و خداجویان را در عرصه های مختلف

زندگی نسبت به (خداوند) (خویشتن) و (مردم) بیان می کند و ضمن بیان آثار ارزشمند این صفات، انسانها را به فراگیری و به کارگیری آنان تشویق می نماید. [۱۹] دیگر آنکه نمونه های شایسته و انسانهای کامل را که چنین ویژگیها را در صحنه های مختلف زندگی به کار گرفته اند و بدین سان سعادت مند شده اند، معرفی می کند. اما در این معرفی توجهی به قلمرو جغرافیایی آنها و یا قبیله آنان و حتی دانش و دانایی آنها ندارد. آنچه در این میان معیار است شایستگیها و لیاقتهاست گرچه غلام سیاهی به نام (لقمان) باشد که نه در شمار پادشاهان است و نه در زمره فیلسوفان و نه در بین ثروتمندان بلکه برده ای است روشن بین که خداوند از او به نام (حکیم) یاد می کند و با صفت (حکمت) می شناساند. و یا انسان معمولی در سطح جامعه را معرفی می کند که ارزش واقعی او (ایمان) او است، از این رو وی را (مومن) آل فرعون و یا (مومن) آل یاسین نام می برد. [۲۰] نکته ارزشمند آنکه در این شناسایی و معرفی نوع جنس نیز مطرح نیست و شخصیت واقعی معیار است. از این رو (مریم) را (الگوی نیایش) و (تندیس طهارت) [۲۱] می شمرد که پاک زیست و پاک به خدای خود پیوست و همسر فرعون را (اسوه استقامت) و (نمونه بصیرت و بیداری) در تالارهای رنگارنگ پر خواب و خور می داند. [۱۶] از سوی دیگر در بین زنان و مردان نمونه های ناشایستی را معرفی می کند که گاه در کنار پیامآوران وحی حضور داشته اند اما همانند فروافتادگان در قعر نادانی و گمراهی هستند که قطره ای از بارش هدایت الهی به کویر تفتیده وجودشان نرسیده است. همچون همسر نوح و فرزند او و یا ابولهب و ابوجهل، عموهای رسول اسلام (ص). [۱۷] آنچه در این میان توجه و تامل بدان ضرورت بیشتری دارد، آشنایی با الگوهای برتر و اسوه های شایسته تر است که خداوند بزرگ نقشی فراگیر برای تمامی زمانها و همه افراد حتی کسانی که خود الگو برای دیگران هستند برای آنها بیان کرده است و از آغاز خلقت تا فرجام آفرینش مربیان بشر و معلمان بی همتای هستی قلمداد شده اند. سرسلسله آنان در بین مردان آفتاب آفرینش و آینه تمام نمای خداوندی حضرت محمد

درود خداوندی بر او و آل او باد است که پروردگار بزرگ او را (اسوه حسنه) نامید و برای معرفی او به انسانهای سعادت خواه و کمال جو چنین فرمود: (لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله و الیوم الاخر و ذکر الله کثیرا) [۱۸] همانا برای شما [در اقتدا و پیروی از] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای کسی که:

۱ به خدا و روز قیامت امید دارد

۲ خداوند را فراوان یاد می کند.

بدیهی است که طلوع خورشید و تابان بودن آفتاب روشنی بخش تنها و تنها برای روشننگری تمام هستی و برطرف نمودن ظلمتها کافی نیست، بلکه شرایطی همچون پذیرش و آمادگی و یا برطرف نمودن موانع تابش آفتاب لازم است تا جای جای گستره هستی پذیرای نور خورشید شود. در باره آفتاب هدایت رسول گرامی اسلام (ص) نیز باید ایمان و امید به خدا و توجه به روز واپسین در سرای دلها موج زند و یاد خداوند طراوت و شادابی معنوی به وجود آدمی بخشد تا (اسوه بودن) و (پیرو بودن) معنا یابد. در این صورت است که آن رهبری و این پیروی، به وجود آورنده امتی الگو و نمونه برای تمامی انسانها و همه جوامع خواهد بود [۱۹]، همان گونه که حضرت ابراهیم علیه السلام نیای پاک نهاد پیامبر اسلام درود خداوندی بر او و آل او باد و سپیدسیرتان پیرو او، اسوه ای پسندیده معرفی شده اند (قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم و الذین معه). [۲۰] دیگر شخصیت برجسته ای که در بین زنان همانند مهتاب آفرینش، روشنایی عالمتابی از خود نشان داد و در کتاب وجود او (تمام حقیقت انسان) و (تمام حقیقت زن) و در یک کلام (تمام نسخه انسانیت) به خوبی مشاهده می شود، به گونه ای که (فضایل او هم تراز صفات بی نهایت رسول اکرم (ص)) بود و (افتخار خاندان وحی [۲۱]) شمرده شده است حضرت زهرا سلام الله علیها است الگوی شایسته ای که امام راحل در سخن عصمتآسای خود فرمود: [حضرت فاطمه زهرا(س)] (زنی بود که اگر مرد بود نبی بود، زنی که اگر مرد بود به جای رسول الله بود). [۱۶] و چون در باره معرفی نمونه ای کامل از انسان در جهان

هستی، سخن به میان می آید، ایشان با احترام خاصی می فرماید: (همه باید به او [حضرت زهرا(س)] اقتدا کنید و کنیم، همه باید دستورمان را از اسلام به وسیله او و فرزندان او بگیریم و همان طوری که او بوده است باشید. انسانی است به تمام معنا انسان، زنی است به تمام معنا زن). [۱۷] آری: جان بی جمال جانان میل جهان ندارد و آن کس که این ندارد حقا که جان ندارد هر شبی در این ره صد بحر آتشین است دردا که این معما شرح و بیان ندارد سرمنزل فراغت نتوان ز دست دادن ای ساربان فرو کش کاین ره کران ندارد [۱۸] همان گونه که قرآن، زن فرعون را نمونه ای برای مردم خوب معرفی می کند و جامعه اسلامی را به درس آموزی از وی دعوت می کند و می فرماید: ضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأه فرعون [۱۹] (خداوند برای تمامی افراد مردان و زنان باایمان، همسر فرعون را مثال می زند)، و یا حضرت مریم را نیز بدین صورت به جامعه برین معرفی نموده تا انسانهای خداجو و فضیلت خواه و تمامی مردان و زنان از او درس آموزند و سرمشق انسانیت گیرند (ضرب الله مثلا للذین آمنوا مریم بنت عمران [۲۰] حضرت امام خمینی نیز با الهام از آموزه های زندگی ساز قرآن، فاطمه زهرا(س) را مقتدای کامل و انسان برجسته در جامعه اسلامی معرفی می کند و تمامی مردان و زنان را به الگوگیری و معرفتآفرینی با شناخت وی فرا می خواند.

به دیگر سخن، نگاه روح الهی [۲۱] امام تمامی مسلمانان بویژه شیعیان را به حرکتی نو و تلاشی تازه دعوت می کند که با شناختی برتر و معرفتی افزون بر شناخت شخص حضرت زهرا(س)، شخصیت آن پاک بانو در جلوه های خلقت و آفرینش، صفات ارجمند و شایسته، ویژگیهای همسرداری، دانش و آگاهی، دیدگاههای اخلاقی، دشمن شناسی، بینشهای ارزشمند و سرانجام مجموعه ای از سخنان آسمانی آن یگانه عالم بررسی شود و همراه با مطالعه ای از سر تا عمل و بصیرت، یکایک صفات و سخنان او در عرصه زندگانی مورد استفاده و عمل قرار گیرد تا (نشان لیاقت) در پیروی از آن حضرت

را نصیب خود سازیم و با هم سویی در رفتار و گفتار آن بانو راه پاکی، پیراستگی و وارستگی را بیماییم.

### سیره یا آموزه های زندگانی فاطمه زهرا (س)

از آن هنگام که پیروزی انقلاب شکوهمند ایران و تشکیل حکومت اسلامی در ام القرای جهان اسلام، نگاه و توجه انبوه بیشماری از مردم دنیا، بویژه شیفتگان آموزه های وحیانی و رفتار ربانی سخنگویان وحی را به سوی ایران جلب نمود تمامی ملتهای مستضعف و انسانهای تحت ستم، این نظام را الگوی شایسته ای برای سرمشق گیری در زندگی خود دانستند. از سوی دیگر بیان و اجرای شیوه معصومان در سراسر زندگی و عرصه جامعه، نیاز به کاری گسترده، دقیق و جدی داشت تا از زلال ناب و پاک عصمت، استفاده شود. [۲۲] و افزون بر جامعیت و کمال در خور و شایسته، برای امروز و فردای جوامع مختلف قابل بیان و اجرا باشد.

ناگفته نگذیریم که سخنان رهبران فکری فرهنگی جامعه و تلاش ارزشمند صاحبان قلم و اهل تحقیق، آثاری شایسته و چشمگیر ارایه داد اما آنچه که نسل خردورز و اندیشمند ما بیشتر از همیشه به دنبال آن بوده و هست، گذشتن از (بایدها) و (نبایدها) و رسیدن به (هست ها) و (نیست ها) است. به دیگر سخن، پرداختن به مجموعه رفتار و اعمال معصومان(ع) در متن جامعه و بویژه در فضای خانواده و درسآموزی از شیوه های زندگانی آنان در فراز و نشیب حوادث خواهد بود تا بدین سان ره توشه ای زنده، پویا و حرکتآفرین برای تمامی افراد و در تمامی صحنه ها و لحظه ها، ترسیم شود و برای همیشه خود را با انسانهای کامل و آموزه های جامع روبه رو دیده، بدون آشفتهگی خاطر نسبت به خطا و اشتباه، راهی روشن از معرفت، بالندگی و شکوفایی برابر خود بیابند. آنچه در این میان، نگاه به آن ضرورتی بیشتر و توجهی فراوان تر در بین شیفتگان، داشت، پرداختن به زندگانی امیر مومنان علی(ع) و فاطمه زهرا(س) است، زیرا در خانواده

کوچک این دو، پدر و مادر و دو فرزند از نشان عصمت برخوردارند و لحظه لحظه زندگانی آنان لبریز از معرفت درست و شناخت صحیح خواهد بود. از این رو تمامی موحدان جهان با هر فکر و اندیشه ای خود را نیازمند به چنان آموزه هایی می دانند تا (نسخه ای آرامش بخش و سعادتآموز) برای همیشه ایام خود به دست آورد. چنین بینش روشن نسبت به نیاز جامعه و خواست انسانها، انگیزه پژوهش و نگارش این مجموعه را پدید آورد تا دایره المعارفی زرین از سرمایه های کیمیاگونه مقابل دیدگان همگان، همیشه گشوده باشد و زندگی درسآموزان از روزمرگی نجات یابد و با فرصتی اندک در طول حیات، محصولی جاودان و پربرکت فراهم شود. شایسته است با هم دورنمایی از مجموعه مباحث را مرور نماییم و با حضور در فضای مطالب، ضمن توجه به یکایک آموزه ها، با آمادگی، تامل و بصیرت بیشتر بدانها پردازیم:

### صفات همسران در خانواده فاطمه زهرا و امیر مومنان

خانواده، جامعه کوچکی است که در آغوش آن انسانهایی به رشد و بلوغ می رسند و پس از چندی به جامعه بزرگتر یعنی اجتماع راه می یابند. سلامت و سعادت اجتماع بستگی کامل با نوع تربیت در خانواده دارد. به گونه ای که گاه جلوه تاءثیر آن با فرا رفتن از مرز زمان، نقشی ژرف داشته، مسیر تاریخ بشریت را دگرگون می کند. [۲۳] پرداختن به معیارهای سعادت بخش، نیاز به واقع بینی و درک حقایق وجودی انسانها و جامعه دارد تا به دور از شعارهای فریبنده و عبارات هیجانآفرین، واقعیات زندگی، آن طور که هست مورد توجه، تجزیه و بررسی قرار گیرد و به دور از احساسات به ارایه راه حل‌های منطقی و مطابق با فطرت و نهادپاک بشری پرداخته شود. در نخستین بحث خود به ویژگیهای فاطمه زهرا(س) در برخورد با فراز و نشیب حوادث خانواده می پردازیم و با نگاهی دقیق به ابعاد وجودی آن حضرت نسبت به وظایف وی در باره خود، همسر، فرزندان و جامعه آگاه می شویم. در پرتو این مباحث، پاسخ



پرسشهای بسیاری که سالهای فراوان مورد توجه انبوه علاقه مندان بوده است و از چگونگی حضور زنان در خانواده به طور مطلق و یا شرکت بانوان در امور اجتماعی به عنوان نیمی از نیروی فعال جامعه و یا... آگاه می شویم و راه درست و مورد نظر چنین اسوه های آسمانی و ارزشمند را به دست می آوریم.

### **دیدگاههای اخلاقی دخت رسول الله سخنان پاک بانوی آفرینش، فاطمه زهرا**

در این بخش، مجموعه ای از اخلاق، آداب و سخنان ارزنده ای است که در لابه لای حوادث جامعه، در اعمال آن حضرت و یا گفتار ایشان وجود داشته است. نکاتی که هر یک با جامعه عجین شده و دانستن آنها موجب نگاهی نو به هستی، شرح صدر و تحمل مشکلات فراوان و دوری از صفات منفی و ناشایست خواهد بود. [۲۴] بدون شک فراگیری این سخنان و به کار بستن یکایک آموزه ها، بسان گنجینه ای گرانقدر در بحران زندگی است که گاه سخنی هر چند کوتاه، آدمی را از سقوط و هلاکت معنوی نجات بخشیده، نشاطی روح افزا و پرفروغ می آفریند.

### **حقوق از نگاه فاطمه**

ورود در حوزه دین و پیوستن به زمره دین باوران ارزش والا به موفقیت و شخصیت آدمی می بخشد و او را چنان ممتاز می سازد که ارزش دارایی او، همانند خون وی خواهد شد در جامعه جایگاه خاصی می یابد و در نوع برخوردهای دیگران اصول و مبانی مشخصی حاکم می شود. اما از سوی دیگر مسوولیتهایی نیز بر دوش وی قرار می گیرد که توجه بدانها و تعهد نسبت به آنها، ضروری اعتقاد به آیین آسمانی خواهد بود. از این رو آگاهی و شناخت حقوق چهره ای شایسته و حتی بایسته به خود می گیرد. آنچه در این زمینه مایه افتخار و ارزشمندی شیعیان است و بسیاری از دیگر معتقدان به ادیان الهی از این نعمت محرومند، استفاده از آموزه های دینی از زبان آشنایان با وحی و دانش

آموختگان خداوند است به کسانی که شناختی جامع نسبت به انسان، ارزش برتر او در جهان آفرینش و حقوق الهی که بر او و برای او تعریف شده، دارند. [۲۵] در این بخش از مباحث بر ساحل سخنان دردانه هستی، پاره تن رسول و زهرای بتول می نشینیم و از حقوق شیعیان، قرآن، امام، همسر، زن، مومن، مجاهدان، میهمان و... آگاه می شویم.

## صفات آسمانی

(صحیفه صفات) حضرت زهرا(س)، آینه ای است که در آن شخصیت آن بانو به خوبی هویدا است. آنچه در باره صفات حضرت گفتنی است آن است که حوادث گوناگون و فراوانی که در عمر کوتاه وی رخ داده، زمینه ساز پدیدار شدن و شکوفایی ویژگیهای نهفته ایشان بوده است که افزون بر عصمت، صفاتی در وجود آن حضرت به چشم می خورد که به فصل و زمان خاصی محدود نشده و در جنس ویژه ای خلاصه نمی شود. در خانواده، بین زنان، برای مردان و در صحنه های سیاسی اجتماعی نقش کاربردی دارد و در سآموز رابطه انسان با خدا، نشانگر عشق و عاطفه ای فراگیر و بیانگر دانش و بینش چشمگیر و بی نظیری خواهد بود. آنان که انسان را در چارچوب امور مادی می نگرند و یا دستورات دین را سلسله سخنان اخلاقی برای آخرت افراد می دانند و یا آنکه زن را موجودی ناتوان و عضوی غیر مفید برای اجتماع می نگرند، با نگاهی به این صفات آسمانی پی به اوج عظمت و قله قداست بانویی جوان می برند که الگویی کامل و انسانی شایسته برای عبرت پذیری تمامی زنان و مردان خواهد بود. [۲۶].

## بینشهای شیرین

پاره ای از موضوعات و مباحث، نقشی اساسی و سرنوشت ساز در زندگی انسان و باورهای او دارد، به گونه ای که آدمی را از افراط و تفریط در صحنه انجام وظایف

مصون نگه داشته و راه را بر هر بیراهه ای می بندد. برخی از این مسایل در زمان طرح آنها اتفاق نیفتاده است اما نوع نگرش و پرداخت به موضوع و نگاه جامع به تمامی ابعاد آن، بیانگر گستره عظمت و بینش عرشی آن شخص خواهد بود. در این قسمت از نوشتار با مجموعه ای از مباحث مطرح شده توسط حضرت زهرا سلام الله علیها روبه رو می شویم که ارزشهای شایسته و بینشهای بنیادین در آن وجود دارد و گلچینی از آداب، شناختهای صحیح و عقاید سرنوشت ساز خواهد بود. برخی موضوعات در زمان آن بانو مصداق یافته است. (همانند ارتداد، ارتجاع، دوست شناسی، ارث، اشک و...) و پاره ای دیگر برای آینده انسانها ترسیم شده است (همچون کربلا، حضرت مهدی علیه السلام و...). [۲۷].

### دشمن شناسی و شیوه های برخورد حضرت زهرا

شناخت دشمن، شیوه شناسی در رویارویی با او و چگونگی پیروزی بر دسیسه های دشمنان، آموزه هایی است که هر دین باور فرهیخته ای باید بدانها آگاهی یابد. ناگفته پیداست که در مکاتب آسمانی بویژه اسلام که سخن از جاودانگی و جامعیت دارد و همواره پیروان خود را به اندیشمندی، آمادگی و ژرف نگری نسبت به معارف ناب الهی همچون پاسداری از (ولایت) دعوت می کند، دشمنان فراوانی با جدیت و تلاش صد چندان برای حفظ منافع خود و رسیدن به مقاصد خویش به مبارزه برمی خیزند تا چنین آیین بالنده و پویا را به سلسله دستوراتی جامد، ساکت و خاموش تبدیل کرده و به کنج مساجد و منازل و سوق دهند. آغاز این راه دشوار و مقدس در رویارویی با دشمنان امامت و ولایت از زمان حضرت زهرا(س) بود و با نگرشی نو بیش از ده روش مقابله و برخورد از دخت رسول خدا(ص) مشاهده می کنیم، به گونه ای که تاءثیر آن شیوه ها در دفاع از ارزشهای مقدس دینی، قرنهای متمادی استمرار یافته و هر روز چهره ای برافروخته تر و بالنده تر به خود گرفته

است.

اینک که جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القری جهان اسلام، پرچمدار حکومت علوی و فاطمی است و تمام انسانها این حکومت را به عنوان اسلام ناب محمدی و نظام شیعی می دانند، آشنایی با شیوه های رویارویی با دشمنان مستکبر و مخالفان حکومت ولایی، ضرورتی است که به یاری خداوند در این فصل بدان پرداخته خواهد شد. [۲۸].

### روشنای اندیشه در بیان فلسفه احکام

دیر زمانی است که (فلسفه احکام و چگونگی بیان آن) از مباحث جنجالی و مورد نقد و تحلیل بسیاری دانشآموختگان و اندیشمندان بوده است. عده ای پرداخت به فلسفه احکام را در تضاد با قداست و ارزشهای الهی آن دانسته و تعبد در انجام احکام را شایسته عبودیت و اطاعت می دانند. اما برخی عمل به دستورات خداوندی را منوط به فهم فلسفه آن و تسلط بر مفاهیم نهفته در پابندی بدان بیان می کنند و بر این باورند آنچه را که می دانند بدان عمل می کنند و هر آنچه را که با آن آشنایی ندارند رها می نمایند! دیدگاه سوم و خردمندانه ای وجود دارد که با احترام به دانش و دانایی نسبت به فلسفه احکام، مرز عبودیت و تعبد را پاس داشته، ضمن بیان اقسام فلسفه دستورات خداوند، اندکی از آنان را نیازمند به زمان و رشد دانش، یا حضور برترین اندیشمند عالم آفرینش حضرت مهدی علیه السلام و یا آزمون تعهد و تعبد انسانها به سخنان سعادتآفرین معصومان علیهم السلام معرفی می کنند. در این فراز از سیره، روشنای اندیشه مهتاب آفرینش، حضرت زهرا علیها السلام را می نگریم که دهها قلم از احکام الهی را با فلسفه احکام آنها ترسیم نموده تا شهد شیرین بندگی در کام جان دین باوران فزونی و برتری یابد و بصیرت و بینش نسبت به وظایف هر یک از ما نمایان شود. [۲۹].

### شخصیت شناسی فاطمه

شناخت دنیای اطراف و شخصیت‌های معاصر، گذشته و آینده نشان از حضور اندیشمندان در جامعه است. این آگاهی زمینه ساز معرفی الگوهای انسان ساز بوده و همراه با آن موجب بیداری افراد در پرهیز از نمونه های ناشایست و بیان شخصیت منفی آنان خواهد بود.

بدون تردید هر گاه این شناخت با نور عصمت و روشنائی معنویت همراه گردد، دایره المعارفی از ارزشها و ضد ارزشها از زندگی افراد سعادت پیشه و شقاوتمند تدوین می شود که راههای رهایی از زنجیر هواها و هوسها به طور زنده و با مصداقهایی گویا بیان می شود و از دیگر سو، رگه های انحراف و راههای هلاکت به خوبی تحلیل و بررسی شده، سرمشق پاکی و ناپاکی بر بلندای تاریخ انسانیت نمایان می شود. در این قسمت از سخنان زهرای مرضیه(س) به شناخت دهها شخصیت از نگاه پربصیرت آن بانو می نشینیم و از فرازهای مختلف سخنان آن حضرت، ره توشه هایی شایسته برای خود و دیگران برمی گزینیم. [۳۰].

### آموزه های زندگانی در آخرین سخنان آسمانی

پیشآمدهای دشوار زندگی همانند آتشی فروزان است که انسانها را زیر و رو کرده، ماهیت واقعی آنان را آشکار می کند. بسیاری در آغاز رشد خویش، پایبند اصول و معیارهایی بوده اند اما چندی بعد تمامی شعارهای خود را فراموش کرده، از روی آز و نیاز و یا شهوت و شهرت، طعم شیرین لذتهای زودگذر زندگی را ترجیح داده، ره به بیراهه می سپردند. به گونه ای که با همسر خویش، که سالیان بسیار شریک مشکلات و همپای رنجهای او بوده، برخوردی ناشایست داشته، یا به آرمانهای مقدسی که از دیرباز برای آنان فداکاریها نموده، پشت پا زده و با چهره ای دگرگون و سیرتی واژگون به حیات خود خاتمه می دهند. بدین خاطر است که لحظه های آخر زندگی را آینه ای از تمامی سالها و حوادث عمر دانسته اند که گاه صعود انسان در آن پدیدار می شود و زمانی

سقوط آدمی به چشم می خورد. آموزه های زندگانی در آخرین سخنان آسمانی حضرت زهرا(س) مجموعه ای از هفت وصیت گفتاری و یک وصیت نوشتاری است که پایداری و شکیبایی آن بانو بر اصول و ارزشهای والا در آنها مشاهده می شود. در این سخنان به خوبی وفاداری، عشق و عاطفه و ادب نسبت به همسر، فرزندان و انسانهای شایسته و گرانقدر تجلی می کند، و نسبت به اخلاص و دلدادگی به آموزه های قرآنی و نبوی، درسهای ارزشمندی بیان می شود. از سوی دیگر، نوع برخورد آن حضرت با دشمنان مستکبر و غاصبان ستمگر نشان از روح پرحمسه و برخورد های هدفمند دارد تا میدان مبارزه با شیطان صفتان و متکبران همیشه باز باشد و ستمدیدگان، پرخروش و توانا علیه خود کامگان به پا خیزند و فریاد بر آورند. [۳۱].

### سینای صلابت با خطبه ای خدایی

تاکنون بخشهای مختلفی از سیره و سخن زهرای مرضیه(س) را از نظر گذرانده ایم و با آموزه هایی که در آینده بدان پرداخته می شود، آشنا شدیم. اینک دورنمای فصلی از زندگانی آن بانو را می نگریم که دارای ویژگی خاصی است. به گونه ای که در کمتر سخنان و یا رفتار آن حضرت این خصوصیت مشاهده می شود و آن جامعیت چشمگیر و همه سویه است. پیشتر، اشاره ای به پاره ای شبهات و ابهامهای مختلف از سوی افراد و افراط و تفریطهایی که در این باره وجود دارد، نمودیم. در این بخش، فضایی از معارف ناب گشوده می شود که در آن پاسخ بسیاری از پرسشها بیان می گردد. از چگونگی حضور زنان در متن جامعه تا ارزشهای والایی که از طوبای برکات یک بانوی متعهد و دین باور، ریزش می کند از نکات تربیتی روانی تا توحیدی کلامی از تشریح فلسفه نبوت تا ارزش ولایت و امامت و از مباحث فقهی حقوقی تا

فرازهایی از نکته های حکومتی اجتماعی و سرانجام گشودن معارفی از قرآن با بیان هوشمندانه و عالمانه نسبت به حقایق الهی، همه و همه در این خطبه روشنی افروز به چشم می خورد. [۳۲].

### اندوخته های معرفت

مژده ای دل که دگر باد صبا باز آمد  
 هدهد خوش خبر از طرف سبا باز آمد

برکش ای مرغ سحر نغمه داوودی باز  
 که سلیمان گل از باد هوا باز آمد [۳۳].

اقیانوس بیکران معرفت فاطمه(س)، چنان ژرف و بی انتهاست که توان رهیابی به پایان آن برای هیچ انسان زمینی نخواهد بود اما شیفتگی و دلدادگی به آن پاک بانوی آفرینش قلم را بی قرار و دل را بی تاب می کند و آنچنان عطشی در وجود آدمی می نشاند که با هر جرعه ای از معرفت وی، تشنگی افزونتر می شود و زبانه عشق والایی بیشتری می یابد. بر ساحل سیره و سخن آن دردانه آفرینش نشستیم و از دور به افقهای روشنی افروز شخصیت او نگریستیم اما حیفمان آمد گنجینه دانشی را که در آن اندوخته های معرفتی بانو به چشم می خورد، نمایان نسازیم تا دانش پژوهان از ابعاد دیگری از گستره شخصیت حضرت آگاهی یابند و علاقمندان عاشق جلوه های محبوب خویش را چنین آینه های معرفت افروزی نیز بنگرند. امید آنکه پس از پایان فصلهای یادشده، به این مباحث پردازیم و صحن و سرای وجودمان را با تحفه های دانش و بینش نسبت به شخصیت آن عزیز والا گوهر و یگانه هستی زینت بخشیم:

- (الف) بر کرانه کوثر: نگاهی دوباره به آیات قرآن در باره فاطمه زهرا(س) و دیدگاه خداوند نسبت به محبوب خویش.
- (ب) خوشه های خورشید: مجموعه ای از شعاع عشق و علاقه پیامبر اکرم(ص) نسبت به دخت والاگوهر خود، حضرت زهرا(س)
- (ج) جلوه های فاطمه در آسمان سخنان اهل سنت: تاملی زیبا بر مجموعه سخنان اهل سنت بویژه در صحاح شش گانه در باره شخصیت پرفروغ حضرت زهرا(س)
- (د) پلکان ملکوت: نگرشی عرشی به تسبیحات فاطمه زهرا(س) و آثار کیمیاگون آن در عالم هستی.
- (ه) صحیفه همیشه سبز: بهره گیری از مجموعه سخنان امامان معصوم علیهم السلام در باره مصحف فاطمه علیهاالسلام، فلسفه وجودی، آثار و بهره های گذشته، حال و آینده از آن.
- (و) فروغ فرزادگی: درسآموزی از فروغ معرفت حضرت امام خمینی در باره مادر عزیز و بزرگوار خود، حضرت زهرا(س)
- (ز) فاطمه و فاطمیون: آثار نام و یاد فاطمه زهرا(س) در دفاع مقدس و تاءثیر رمز یازهرا در عملیاتهای مختلف.
- (ح) فاطمه در آینه فقه و در نگاه فقیهان: نگاهی به مجموعه مباحث فقهی و دیدگاه اندیشمندان عرصه فقه و فقاہت در باره حضرت زهرا(س)
- (ط) فرهنگ نامها و القاب فاطمه(س):



بررسی گسترده نامها و لقبهای حضرت و درسآموزی در باره نامگذاری افراد، موسسات و مناسبتهای مختلف (ی) نگاهی به برخی از کتابها و رساله های نگاشته شده در باره حضرت زهرا(س): آشنایی با این آثار، موجب وسعت دید انسان و حضور در فضای فرهنگی کشور، الهامهای مختلف در کارهای فکری فرهنگی و دوری از کارهای تکراری خواهد شد. در پایان ضمن یادآوری شروع مباحث آغازین در این نوشتار از شماره آینده، توفیقی برتر برای فراگیری آموزه های زندگانی معصومان علیهم السلام بویژه حضرت زهرا علیهاالسلام، از خداوند بزرگ خواستاریم.

## صفات همسران در خانواده فاطمه زهرا و امیرمؤمنان

### خانه و خانواده

نخستین مجموعه و نهادی که با کمترین افراد و بیشترین ارزشها در جامعه تشکیل می شود، خانواده است. محفلی که در آن شالوده شخصیت انسانها و بنیان باورهای آنان پی ریزی می شود و از چنان عظمتی برخوردار است که گاه پرورش یافته های آن مسیر تاریخ انسانیت را تغییر داده، چراغ مصطفوی یا شرار بولهبی می افروزند. [۳۴] از آغاز آفرینش و شروع زندگانی آدم و حوا تاکنون، دوره های گوناگون تاریخی پدید آمده و آداب و رسوم مختلفی بر نظام خانوادگی حکمفرما بوده است [۳۵] برخی از صاحبان فکر و اندیشه با توجه به قداست خانواده، رهنمودهای هدایت بخشی ارائه داده اند و پاره ای از دولتها و سران استکباری برای دست یابی به اهداف شوم خود، بیشترین تلاش خود را صرف فساد و تباهی این کانون ارزشمند نموده اند. آیین آسمانی اسلام، مجموعه ای از کاملترین و ناب ترین آموزه های سعادتآفرین و جاودانه برای خانواده ارائه داده است با نگرشی جامع و بی نظیر، به تمامی ابعاد جسمانی و روحانی انسانها توجه داشته و جلوه های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این

نهاد مقدس را مورد نظر قرار داده است. از این رو، گاه در آیات قرآن و زمانی در سخنان پیشوایان و یا سیره معصومان علیهم السلام به این مهم پرداخته شده است. با نگاهی به مجموعه آیات قرآن، نخست خانواده های نمونه ای را می بینیم که خداوند متعال برخی از آنان همچون خانواده ایوب، زکریا، صالح، موسی، یوسف و حضرت محمد(ص) را مثال زده و با گشودن دفتر زندگانی آنان، همگان را به درس آموزی و عبرت پذیری دعوت نموده است. [۳۶] سپس با پرداختن به ارزش خانواده، آسایش، هدایت و احسان در این کانون مورد بحث قرار گرفته است. [۳۷] در دیگر آیات، ابعاد اجتماعی خانواده و صفات همسران را می نگریم که با اشاره به روابط خانوادگی، جلوه های عدالت، امنیت، محرومیت، صلح و تبعیض بیان شده است. [۳۸] سلسله سخنان معصومان درود خداوندی بر آنان و سیره زندگانی آنها، راهنمای اطمینان بخش دیگری است که شیوه های شروع زندگی شیرین را مطرح نموده و ابعاد گوناگون محفلی پر نشاط و جمعی باصفا را در محیط خانه ترسیم می کند تا بدون آشفتگی خاطر، یکایک سخنان و رفتار آنان را دستورالعملهایی مقدس و شیوه هایی رشد آفرین و پویا بدانیم و در مراحل مختلف زندگی بدانها عمل کنیم.

### صفات همسران در خانواده فاطمه زهرا و امیرمؤمنان

نخستین بخش از سلسله آموزه های زندگانی حضرت زهرا(ع) است که در گفتار و رفتار آن پاک بانو تجلی یافته است. در این نوشتار به دوازده صفت از صفات ارزنده و حیات بخش می پردازیم و همراه با برخی از سخنان دیگر معصومان(ع)، ابعاد دیگری از بحث را ترسیم می نمایم. با هم اولین صحیفه صفات حضرت زهرا(ع) را در محیط خانه و خانواده می گشاییم و با عشق و اندیشه بیشتر به صید گوهرهای معرفت و دانایی می پردازیم:

### بصیرت و بینش نسبت به زندگی

نخستین گام موفقیت انسان در گستره حیات، بهره مندی از بینشی روشن و بصیرتی آسمانی است دیدگاهی که آفرینش را در آینه نگاه آدمی به صورتی زیبا و حقیقی به تصویر می کشاند. آنان که از این مائده الهی بی بهره اند، زندگی خویش را (ساحل تفریح و خوشگذرانی) و یا (میدان بازی و سرگرمی) می دانند و دامنه تلاش خود را در روزهای زودگذر، به دست فراموشی می سپرند. فاطمه زهرا(ع) با نگاهی از آن سوی دیده ظاهری به آفرینش می نگریست. نوری برخاسته از خودسازی، معنویت و تهذیب نفس از عمق جان او نمایان بود که با آن تمامی ظلمتها و تیرگیهای باطنی حیات کنار زده می شد و حقیقت هستی در برابر نگاه او نمایان می گردید. [۳۹] از این رو، هیچ گاه زر و زیور زندگی از او دلربایی نکرد و لذات و خوشیهای زودگذر، فریبای دل و دیده او نگردید.

هنگامی که سخن از دنیا و آنچه که او دل در گرو آن دارد و شیفته آن است مطرح می شد، با روشن بینی مهربانانه ای می فرمود: از دنیای شما سه چیز را بسیار دوست دارم:

۱. تلاوت قرآن

۲. نگاه به چهره رسول خدا(ص)

۳. انفاق در راه خدا. [۴۰] و چون رسول اکرم(ص) به او فرمود: دخترم! آیا دوست داری دعایی به تو بیاموزم که هیچ کس آن را نمی خواند مگر آنکه خواسته های او تحقق می پذیرد؟ در پاسخ پدر بیان کرد:

(پدر جان! چنین دعایی از دنیا و آنچه در آن است نزد من محبوب تر است.) [۴۱] و با فرا گرفتن آن دعا، هیچ گاه رسالت خود را در عرصه انسانیت و عبودیت فراموش نکرد و جلوه های رفاه و خوشی او را از فکر دیگران غافل ننمود. فاطمه(ع) نمونه کامل و تمام عیار سخن پدر بود که فرمود: (من و هر کس (پیروyam) می کند با بینایی و بصیرت به سوی خدا دعوت می کنیم.) [۴۲] زیرا در لحظه هایی که وسوسه های شیطانی و گرد و غبار نفسانی مقابل دیدگان انسان

قرار گرفته او را به معصیت و نافرمانی سوق می دهد، او با بینشی روشن و به دور از احساسات راه رشد و سعادت را فراموش نکرده، تنها یک هدف را دنبال می کند و آن (رضایت پروردگار بزرگ) است و بس. شبی که آن حضرت در سن نه سالگی به منزل شوهر پانهاد، با چشمانی اشکبار و حالتی نگران رو به همسر خود کرد و فرمود: (در باره حال و رفتار خود فکر کردم و به یاد پایان عمر خویش و منزلگاه دیگر به نام قبر افتادم که امروز از خانه پدر به خانه شوهر منتقل شدم و روزی دیگر از اینجا به خانه قبر و جایگاه ابدی خود خواهم رفت. در این آغازین لحظه های زندگی تو را به خدا سوگند می دهم که بیا به نماز بایستیم تا با هم در این شب خدا را عبادت کنیم.) [۴۳].

بالای هفت پرده نیلی است جای ما  
 پا چون حباب بر سر دنیا گذاشتیم  
 ما را بس است جلوه گاه شاهدان قدس  
 دنیا برای مردم دنیا گذاشتیم [۴۴].

شناخت بیکران فاطمه (ع) و وسعت معرفت آن پاک بانو چنان بود که هیچ گاه خود را در برابر دستورات خداوند و سخنان رسول الله (ص) صاحب نظر نمی دید، با عشقی روزافزون سر بر آستان تقدیر الهی و اراده خداوندی می نهاد و با قلبی پر عطوفت و نگاهی پر شوق می فرمود:  
 رضیت بما رضی الله لی و رسوله [۴۵] خوشنودم به آنچه که خدا و پیامبر او برای من رضایت دادند. و یا:  
 رضیت بالله ربا و بک یا ابتاه نبیا و باین عمی بعلا و ولیا [۴۶] رضی ام که خدا پروردگار

من است و تو ای پدر! پیامبر من، و پسر عمویم علی، شوهر و امام من است. از این رو نشان از سخن خداوندی در گفتار و رفتار او همیشه نمایان بود که در توصیف شایستگان و

پاکان فرمود:

پروردگار از آنان راضی است و اینان نیز از خدای خود راضی اند. [۴۷] او با چنین صفات تابناکی در دامن قدسی و آغوشی آسمانی خود دردانه هایی چون حسین بن علی (ع) تربیت می نماید که در آخرین لحظه های حیات خویش در عرصه کربلا با جمله ای کوتاه معرفتی بلند از عشق و دلدادگی ترسیم می کند و می فرماید:

الهی رضی بقضائك [۴۸] پروردگارا! به قضا و اراده تو راضی هستم. و دخت والا گوهر فاطمه (ع) نیز در صحنه های گوناگون حادثه سرخ نینوا، ضمن بیان رضایت خویش در جمله ای، تمامی مصایب را با رنگ اطاعت و بندگی می نگرد و می فرماید: ما رأیت الا جمیلا [۴۹] هر چه دیدم زیبایی و لطف و محبت الهی بود. آری آنان که همواره جامه جان از کدورت های خودخواهی، کینه توزی، حسادت و هواپرستی دور نگه دارند و روح و روان خود را از هر آلایشی پالایش کنند، بی پرده حقایق را مشاهده نموده و از نوری آسمانی در خانه دل بهره می برند. حقیقتی که آیه قرآن بدان صراحت نمود

که:

اگر پاک و پرهیزکار بوده باشید، خداوند به شما روشن بینی می دهد و بر بصیرت شما می افزاید. [۵۰] قرآن کریم بین تقوا و پرهیزکاری از یک طرف و روشن بینی و افزایش نور بصیرت از طرف دیگر رابطه مستقیمی قایل است هر اندازه آدمی پاک تر، وارسته تر و در برابر حقایق تسلیم باشد، نورافشانی عقل و فکر او، روشنایی بیشتر ایجاد می کند.

حقیقت	سرایبی	است	آراسته
هوا	و	گرد	برخاسته
	هوس		

نبینی	که	هر	جا	برخاست	گرد
نبیند	نظر	گرچه	بیناست	مرد	[۵۱]

زهرای مرضیه(س) که یگانه بانوی هستی بر بلندای بندگی خداوند است، با چنان باوری به چنین روشنگری ارزشمندی دست یافته بود، خود را با آموزه های توحید تا عمق وجود آشنا کرده بود و افزون بر آن در مسیر پیروی از نبوت و رسالت رسول الله(ص) رهروی شیفته ساخته بود. او از پدر آموخته بود که ساعات و لحظه های عمر، سرمایه انسان است که با آن تجارت بندگی باید نمود و در غیر بندگی خدا و یا غیر اصلاح خود گام برنداشت، هرگز از امور دنیا ترس و اضطراب نداشته باشد. در بین مردم سخی ترین افراد باشد و چون درهم و دیناری نزد او است، به دنبال مستحق او بوده تا او را شادمان و خرسند نماید. از قوت و غذای خود در راه خدا ایثار کند، با فقرا نشیند و با آنان هم غذا شود، به اهل فضل و دانش احترام گذارد و با آبرومندان همدلی داشته باشد. آنگاه که انسان پیشمانی از کرده خود پوزش بخواهد، عذر او را بپذیرد و در خوراک و پوشاک بر خدمتگزار خود پیشی و برتری بجوید. فقیر و غنی را یکسان به توحید دعوت نماید و همگان در نظرش مساوی باشند. [۵۲].

### شناخت همسر و آشنایی با ابعاد روحی روانی او

زندگی چون سفری است که گاه درازمدت و زمانی کوتاه مدت است و همسران، همسرانی هستند که از آغاز ازدواج، در مسیر زندگی پای می نهند. آنگاه که این سفر با شناخت همسران همراه باشد و از آن شور و عشق، نشاط و دلدادگی و محبت و مهربانی پدید آید، آن دو، دست در دست هم راه زندگی را طی می کنند، در ظلمت سختیها از هم جدا نشده و در پیچ و خم حوادث یکدیگر را گم نمی کنند. زمانی که در بارش رحمت و نعمت الهی قرار گیرند با بصیرت و روشن بینی تصمیم می گیرند و چون

با ریزش زحمت و آوار مشکلات روبه رو شدند، با تابناکی شناخت خویش، یکایک موانع را کنار می نهند تا به راهی روشن و آرامش و شادکامی دست یافته، پایانی ارزشمند و شایسته یابند.

فاطمه زهرا(ع) و امیرمومنان(ع) همسرانی بودند که در کوتاه مدت زندگانی خود با روشنای شناخت و تابناکی اندیشه، روزهایی همراه با تفاهم و مهربانی سپری نمودند. روزی حضرت علی(ع) در باره همسر محبوب خود فاطمه(ع) و دوران نوجوانی و جوانی خود را با او، شعری محبتآمیز سرود و فرمود:

کنا کزوج حمامه فی ایکه متمتعین بصره و شباب [۵۳] من و تو همانند دو کبوتر بودیم در یک آشیانه از نشاط و سلامتی و جوانی بهره می بردیم و آنگاه که پیامبر(ص) چندی پس از ازدواج آن دو، نزد آنان رفت و از علی(ع) سوال کرد: کیف وجدت اهلک؟ همسرت را چگونه یافتی؟

او با صراحت و صمیمیت در پاسخ عرض کرد: نعم العون علی طاعه الله بهترین یاور برای اطاعت خداوند.

و چون رسول اکرم(ص) همین پرسش را از دختر خود فاطمه(ع) نمود، آن بانو عرض کرد: خیر بعل [۵۴] او را بهترین شوهر یافتم. دامنه شناخت حضرت زهرا(ع) نسبت به همسر خود به جلوه های ظاهری زندگی محدود نمی شد، بلکه وی از گستره عظمت و ابهت معنوی شوهر خود آگاهی داشت و با چنین شناختی همیشه او را می ستود. در سخنی از آن حضرت به خوبی می توان به این حقیقت روح بخش پی برد و ابعاد بینش او را نسبت به همسر خود شناخت. فاطمه(ع) می فرماید: در دوران خلافت ابوبکر زلزله ای رخ داد.

مردم از ناراحتی نزد ابوبکر و عمر رفتند تا از آنان استمداد جویند. اما آنها را در حالتی دیدند که به علی بن ابی طالب(ع) پناهنده شده، به طرف خانه او رفته اند. به دنبال آن دو تا در خانه حضرت رفتند. علی(ع) با کمال خونسردی و آرامش از منزل بیرون آمده به

بیرون شهر حرکت کرد و در آنجا بر تپه ای نشست. مردم نیز به پیروی از آن حضرت بر روی آن تپه نشسته به تماشای دیواره های شهر مدینه که در حال تکان خوردن بود، پرداختند و علی(ع) رو به آنان کرده، فرمود: گویا شما از این منظره ترسیده اید؟ گفتند: چگونه ترس نداشته باشیم و حال آنکه تاکنون چنین حادثه ای ندیده ایم.

فاطمه زهرا(ع) ادامه ماجرا را این گونه می فرماید: در این لحظه حضرت علی(ع) لبهای مبارک را تکان داد و بعد دست بر زمین زده فرمود: تو را چه شده است؟! آرام باش! بی درنگ زمین آرام شد. مردم از این عمل حضرت و خونسردی امام شگفت زده شدند. علی(ع) فرمود: شما از این کار من دچار شگفتی شدید؟ گفتند: آری فرمود: من کسی هستم که خداوند متعال در باره او فرموده است: اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها و قال الانسان مالها [۵۵] (هرگاه زمین به واسطه لرزشهای آن بلرزد و بار گران درونش را بیرون ریزد و انسان از آن پرسش کند و پرسد...) و من همان انسانی هستم که به زمین می گوید: هان! تو را چه شده است؟ یومئذ تحدث اخبارها [۵۶] (در چنان روزی اخبار و روایات خودش را بیان می کند) و زمین با من سخن می گوید. [۵۷] در سخنی دیگر، چون یکی از اصحاب از زهرای مرضیه(س) در باره شوهرش امیرالمومنین(ع) پرسش می کند، حضرت می فرماید: (امام [و علی(ع)] چون کعبه است که به سوی او می روند و او [به سوی مردم] نمی رود. به خدا سوگند اگر می گذاشتند که حق بر محور خود بچرخد و آن را برای اهلش باقی می گذاشتند و از خاندان پیامبر(ص) پیروی می کردند، هیچ گاه دو نفر در باره خدا با یکدیگر مخالفت نمی کردند و آیندگان از گذشتگان آن را به ارث می بردند و گذشتگان برای آیندگان خود می گذاشتند تا اینکه قائم ما که نهمین فرزند حسین است به پا خیزد...) [۵۸] از آن سو، علی(ع) نیز نسبت به مقام و منزلت همسر خود آگاهی کامل داشت و با عبارات مختلف در چهره نظم و نثر، فاطمه(ع) را می ستود. روزی که سخن



از حضرت زهرا(ع) به میان آمد، امام با بیانی شیرین و الفاظی زمردین، احساس عشق و محبت قلبی خود را که حاصل شناخت ارزشمند نسبت به فاطمه(ع) بود، بدین گونه اظهار کرد:

و لی الفخر بفاطم و ابیها ثم فخری برسول الله اذا زوجنیها [۵۹] من به فاطمه و پدرش مباحات می کنم و آنگاه به رسول خدا افتخار می کنم، آن هنگام که فاطمه را به همسری من آورد.

زمانی که امام(ع) در احتجاجات و مناظرات مختلفی برای اثبات حقانیت خود در بین مردم سخن می گفت، بارها به وجود فاطمه(ع) افتخار می کرد. روزی به ابوبکر فرمود: تو را به خدا سوگند می دهم آیا کسی که رسول خدا(ص) او را برگزیده و دخترش فاطمه را به همسری او در آورد و فرمود: خداوند او را در آسمان به همسری تو[علی] در آورد) من هستم یا تو هستی؟ پاسخ داد: بلکه تو هستی. [۶۰] و در جای دیگر فرمود: شما را به خدا سوگند می دهم، آیا در بین شما غیر از من کسی هست که همسرش بانوی زنان جهانیان باشد. گفتند: نه. [۶۱].

### همدلی و همراهی با همسر

در	خلوتی	ز	پیرم	کافزود	باد	نورش
خوش	نکته	ای	شنیدم	وجد	و	سرورش
گفتا	حضور	دلبر،	مفتاح	مشکلاتست		
خرم	دلی	که	باشد،	پیوسته	در	حضورش

[۶۲]

زندگی دنیا همانند حضور بر اقیانوسی است که در آن گردابهای هلاکتآور، امواج سهمگین و تندبادهای وحشت افروز وجود دارد. گاه فقر و ناداری، درد و اندوه، دلهره و آشفتگی خاطر، پیکره زندگانی را لرزه ای سخت می دهد و آن را دگرگون می کند. یگانه بادبانی که کشتی زندگی را از آینده سختیها نجات می بخشد، همکاری، همدلی و همراهی همسران است. صفاتی که عطر روح بخش ایمان و اطمینان قلبی به همراه دارد و رنگی روشن و چشم نواز از جلوه های زندگانی معصومان علیهم السلام به خود گرفته است.

دفتر زندگانی حضرت زهرا(ع) را که می گشاییم، چنین ویژگی را در افقی طلایی و چشمگیر می بینیم، زندگی نه ساله ای که همراه با سنگلاخهای سختی و آوارهای بلا و مصیبت همراه بود و ناموران عرصه بردباری و شکیبایی را بی طاقت می نمود اما فاطمه عزیز و همسر مهربانش با روشنای دل و دیده و همدلی، همراهی و همکاری روزافزون یکایک مشکلات را پشت سر می گذارند و با طراوت روحی و نشاط معنوی به استقبال حوادث می رفتند. روزی که صحابی وارسته سلمان، با دیدن لباس و شیوه زندگی حضرت شگفت زده شده بود، فاطمه(ع) به پدر گفت:

(یا رسول الله! سلمان از لباس من تعجب کرده است. سوگند به خداوندی که تو را بر حق مبعوث کرد، من و علی پنج سال است که چیزی نداریم به جز پوست قوچی که روزها شترمان بر روی آن علف می خورد و شب هنگام آن را فرش خود قرار می دهیم و نیز بالش (زیر سر) ما چرمی است که اطرافش از لیف خرما درست شده است.)

پیامبر(ص) که سخنان دختر دلبنده خود را شنید، به پاس زحمات او در منزل و در کنار شوهرش، رو به سلمان نموده، با جمله ای ارزش فاطمه را این گونه بیان فرمود: (ای سلمان! همانا دخترم در گروه پیشگامان و سابقین است). [۶۳] زهرای مرضیه(س) افزون بر مهربانی و ملایمت با انواع سختیهای زندگی، همیشه سعی می کرد با چهره ای رضایتآمیز، شوهر خود را از غبار غم و اندوه دور نگه دارد و ناملایمات زندگی را با او

در میان نگذارد. در یکی از روزها، صبحگاهان علی(ع) فرمود: فاطمه جان! آیا غذایی داری، تا از گرسنگی بیرون آیم؟ حضرت پاسخ داد: نه، به خدایی که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزید سوگند، دو روز است که در منزل غذای کافی نداریم، آنچه بود به شما و فرزندانم، حسن و حسین دادم و خود از غذای اندک موجود، استفاده نکردم. امام با تاءثر فرمود: (فاطمه جان! چرا مرا با خبر نساختی تا به دنبال تهیه غذا بروم.) زهرای مرضیه(س) ادامه داد: (ای ابالحسن! من از پروردگار خود حیا می کنم چیزی را که بر آن توان و قدرت نداری از تو درخواست نمایم.) [۶۴] فاطمه زهرا(س) بانویی سختکوش و همسری همراه و همدل بود. او از پدر آموخته بود که (هر زنی با شوهر خود مدارا نکند و او را به چیزی بکشانند که قدرت و توان آن را ندارد، هیچ کار نیکی از او قبول نخواهد شد و در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که خداوند بر او خشمناک است) [۶۵] و دیگر سخن رسول الله(ص) را آویزه گوش خود کرده بود که: (فاطمه جان! هیچ گاه از پسر عمویت چیزی درخواست مکن، اگر چیزی پیش تو آورد که خوب، فضل و بخششی است و اگر نیاورد، از او سوال و درخواست نکن.) [۶۶] امروز تمامی زنان و مردان ما نیز باید خود را در تمامی ابعاد و بویژه چنین صفات ارزشمند و نشاطآفرین، پیروی صادق و رهروی مخلص برای آن فرشته زمینی نمایند و از معارف ناب و اصیلی که اهل بیت علیهم السلام در این باره به یادگار گذاشته اند، استفاده های شایان نموده و یکایک آنان را در صحنه های زندگی به کار گیرند. معارفی که گاه امیرمومنان برای آموزش همگان به فرزند خود، امام حسن(ع) می فرمودند: (... زن را در کارهای او، آنچه مربوط به وی نیست، صاحب اختیار مگردان، زیرا زن همانند شاخه گل است نه مسوول کارهای دشوار، احترامش را به حدی نگه دار که از آنچه مربوط به او است تجاوز نکند...) [۶۷] و یا امام صادق(ع) ارزش خدمات زنان را در منزل با بیانی زیبا و شیوا این گونه ترسیم می نمودند:

(هیچ زنی نیست که جرعه ای آب به همسرش بنوشاند، مگر اینکه این کار برای آن زن از عبادت یک سال که روزهایش را روزه باشد و شبهایش به عبادت بایستد بهتر است و خداوند به پاداش هر جرعه آبی که به همسرش می نوشاند، برای او در بهشت شهری می سازد و شصت خطا از خطاهای او را می بخشد.) [۶۸] شایسته است با هم از شیوه زندگی یکی از دانشآموختگان مکتب فاطمه (ع) آشنا شویم تا بدانیم چنین آموزه ها را می توان در لحظه های حیات خود به کار گرفته روزهایی روشن از عشق معنوی و آینده ای پر نوید از پاداشی نیکو برای خود فراهم سازیم. یکی از شاگردان و شیفتگان علامه طباطبایی، زندگی استاد فرزانه و مفسر کبیر قرآن، را این گونه توصیف می کنند: زندگی خانوادگی علامه بسیار باصفا و صمیمیت بود. در فوت همسرش اشک بسیاری می ریخت و محزون و متاثر بود. روزی به ایشان عرض کردم ما صبر و بردباری را باید از شما بیاموزیم، چرا اینچنین متاثر هستید؟ در جواب فرمود:

(... مرگ حق است. همه باید بمیریم. من برای مرگ همسرم گریه نمی کنم، گریه من از صفا و کدبانوگری و محبتهای خانم است. ما زندگی پر فراز و نشیبی داشتیم و در نجف اشرف با سختیهای مواجه می شدیم که من از حوایج زندگی و چگونگی اداره آن بی اطلاع بودم. اداره زندگی به عهده خانم بود. در طول مدت زندگی ما هیچ گاه نشد که خانم کاری بکند که من حداقل در دلم بگویم ای کاش این کار را نمی کرد، یا کاری را ترک کند که من بگویم کاش این عمل را انجام داده بود! در تمام دوران زندگی هیچ گاه به من نگفت چرا فلان عمل را انجام دادی یا چرا ترک کردی! شما می دانید که کار من در منزل است و همیشه مشغول نوشتن یا مطالعه هستم. معلوم است که خسته می شوم و احتیاج به استراحت و تجدید نیرو دارم. خانم به این موضوع توجه داشت، سماور ما همیشه روشن بود و چای درست. در عین حال که به کارهای منزل اشتغال داشت هر ساعت یک فنجان چای می ریخت، در اتاق کار من می

گذاشت و دوباره دنبال کارش می رفت تا ساعت دیگر... من این محبت و صفا را چگونه می توانم فراموش کنم! [۶۹].

### احترام به شخصیت همسر

اصحاب همگی پروانه وار گرداگرد وجود رسول الله (ص) حلقه زده بودند تا از سخنان زیبا و شیرین و دستورالعملهای معرفتآفرین پیامبر در باره شیوه زندگی و روش برخورد با همسر بهره جویند. ناگاه چهره به نور نشسته رسول اکرم (ص) نگاه اطرافیان را به سوی خود کشانید و سخنان کوتاه و جامع او که به طور شمرده و با آهنگی زیبا ادا می شد، شروع گردید:

(برادرم جبرئیل به من خبر داد و همواره سفارش زنان را می نمود، تا آنجا که من گمان کردم برای شوهر جایز نیست که به زنش اف بگوید... شما مردان زنان را به عنوان امانت خدایی گرفته اید. [۷۰] بهترین شما مردی است که با زنش خوشرفتار باشد و من از همه شما بیشتر به زنانم احترام می گذارم و خوش رفتارترم. مرد مسلمان بعد از اسلام، بهره ای برتر از همسری مسلمان با این صفات نبرده است آنگاه که به او می نگرد مسرت بخش او و در برابر امرش مطیع و در غیابش حافظ ناموس خود و مال شوهرش باشد. [۷۱] زنی که به شوهر خود اذیت کند و به او احترام نگذارد نماز و هیچ یک از اعمال او به درگاه خدا قبول نمی شود، اگر چه شب و روز را با نماز و روزه بگذراند، برده آزاد کند، مال در راه خدا انفاق نماید، تا آن که شوهرش از دست او راضی شود. [۷۲] هر مردی که به صورت همسرش یک سیلی بزند، خداوند عزوجل به مالک دوزخ فرمان می دهد او را در جهنم هفتاد سیلی بزند.) [۷۳] پس از پایان سخنان رسول الله (ص) مردی خدمت حضرت آمد و عرض کرد: همسری دارم که هر گاه وارد خانه می شوم به استقبال می آید و چون خارج می شوم بدرقه ام می کند. زمانی که مرا اندوهگین می بیند، می گوید: اگر برای روزی و مخارج

زندگی غصه می خوری، بدان که دیگری (خداوند بزرگ) آن را به عهده گرفته است و اگر برای آخرت اندوهگینی، خداوند اندوهت را افزون کند تا بیشتر به آخرت خود بیندیشی.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: خداوند بر روی زمین عاملانی و کارگزارانی دارد و این زن یکی از عاملان خداست و او نصف پاداش شهید را دارد. [۷۴].

از	خدا	جویم	توفیق	ادب
بی	ادب	محروم	ماند	از
			از	لطف
				رب

بی	ادب	تنها	نه	خود	را	داشت	بد
بلکه	آتش	بر	همه	آفاق	زد	[۷۵]	.

کتاب زندگانی و صحیفه صفات همسران اسوه را که می نگریم فاطمه زهرا (س) و امیر مومنان (ع) را در احترام به یکدیگر در مقامی برتر و چشمگیرتر می یابیم. زهرای مرضیه از آغازین روزهای کودکی در کنار مادر تا واپسین روزهای زندگی در خانه پدر، احترام به یکدیگر را فرا گرفته بود و در گفتار و رفتار او، امواج پر عظمتی از ادب موج می زد. روزی که علی (ع) به خواستگاری فاطمه (س) رفت، رسول الله (ص)، بدون آنکه در تصمیم گیری شتاب کند و یا نظر دختر خود را نادیده انگارد، نزد زهرا (س) رفته، ضمن ارزش و احترام برای راء او، در باره چنین پیوند مقدسی با وی به مشورت پرداخت. فاطمه (س) نیز با شناختی که از علی (ع) داشت، به پدر احترام شایانی کرده، رو به او نمود و گفت: یا رسول الله انت اولی بما تری ای رسول خدا! تو از من سزاوارتری که اظهار نظر کنی. [۷۶] پس از ازدواج نیز با همین شیوه ارزشمند نسبت به همسرش زندگی می کرد. هر گاه رسول الله (ص) از شوهر او پرسش می نمود، فاطمه (س) بدون آنکه شکوه و

شکایتی از علی (ع) و زندگی او داشته باشد، با رویی گشاده و روحی پر نشاط عرض می کرد: علی (ع) بهترین شوهر است. [۷۷] هرگاه احتمال ناراحتی همسر خویش را با سخنان خود نسبت به تهی بودن زندگی آنان از غذا، می داد، بی درنگ اندوهگین می شد و می فرمود:

(من از خدا آمرزش می طلبم و دیگر مرتکب این رفتار نخواهم شد.) [۷۸] در صحنه های مختلف زندگی که فاطمه (س) تصمیم قطعی بر انجام کاری داشت، چون از دیدگاه همسر خود آگاه می شد، آن را با کمال تواضع می پذیرفت و ضمن احترام به سخن امام (ع) به گفته او عمل می کرد. پس از ماجرای تلخ سقیفه و اندوه جان فرسای فاطمه (س)، سران سقیفه برای جلب افکار عمومی به فکر چاره افتادند تا به گونه ای از حضرت زهرا (س) دلجویی نمایند. اجازه ملاقات از حضرت خواسته و تظاهر به جبران اشتباهات خود می نمودند. اما فاطمه (س) در تداوم یک مبارزه منفی و همه جانبه، هر گونه پیشنهادی را برای گفتگو و یا مصالحه رد می نمود و موضع اعتراض، سکوت و بیزاری خود را ادامه می داد. روزی علی (ع) وارد منزل شده، رو به همسر رنجدیده خود نمود و فرمود: فاطمه جان! خلیفه و عمر پشت در خانه منتظر اجازه ورود هستند، نظر شما چیست؟ و حضرت زهرا (س) با احترام خاصی نسبت به شوی عزیزش عرض کرد: (علی جان! خانه خانه تو است و من همسر تو هستم، هر آنچه می خواهی انجام ده!) [۷۹] این سخن را فاطمه زهرا (س) در حالی بر زبان آورد که هنوز صوت سیلی در گوشهای او و صورت نیی بر پیکر او وجود داشت. در برهه ای دشوارتر از زندگی که مردان مرد، توان خویشتن داری از دست داده، تنها به هدف اندیشیده تا از چنگال مصیبت رهایی یابند، فاطمه زهرا (س)، خروش و تلاطم دریای وجود خود را با عبارتی کوتاه از همسرش آرامش بخشید، چشم ادب بر پیام شوهر گشود و دست احترام بر سینه خود نهاد و به سوی خانه حرکت کرد.

ماجرا از آنجا آغاز شد که علی(ع) را به سوی مسجد بردند تا برای خلیفه از او بیعت گیرند. در ازدحام جمعیت، عمر، امام(ع) را با شمشیر برهنه تهدید کرد که اگر با ابابکر بیعت نکنی گردنت را می زنم! در این هنگام حضرت زهرا(س) برآشفته و رو به ابابکر نمود و فرمود:

(سوگند به خدا اگر دست از علی برنداری، موی سرم را پریشان می کنم و گریبان چاک زده، کنار قبر پدرم رسول خدا می روم [و نفرین می کنم].) و به دنبال سخن خود دست حسن و حسین علیهماالسلام را گرفته به سوی تربت پدر حرکت کرد تا در آنجا نفرین و ناله خود را سر دهد. ناگهان علی(ع) رو به سلمان کرده، فرمود: (سلمان فاطمه را دریاب، گویی دو طرف مدینه را می نگریم که به لرزه در آمد، سوگند به خدا اگر فاطمه(س) موی خود را پریشان کند، گریبان چاک نماید و در کنار قبر رسول الله(ص) ناله و نفرین سر دهد، دیگر مهلتی برای مردم مدینه باقی نمی ماند و زمین همه آنها را در کام مرگبار خود فرو می برد.) سلمان شتابان و هراسان خود را به بی بی رسانید و گفت: خداوند پدرت را مایه رحمت جهانیان قرار داده است، خواهش می کنم به خانه برگرد و نفرین در حق مردم نادان مکن... علی(ع) مرا فرستاد و فرمود به شما بگویم به خانه برگردید و از ناله و نفرین خودداری کنید.

فاطمه(س) چون پیام امام(ع) را شنید فرمود: (اذا ارجع و اصبر و اسمع له و اطیع) [۸۰] (اکنون [که شوهرم و امام من، فرمان داده که به خانه باز گردم] می روم، صبر می کنم، سخن آن بزرگوار را می پذیرم و از او اطاعت می کنم.) پس از آن چون شوهر مظلوم خود را نگریست فرمود:

(علی جانم! جانم فدای جان تو و جان و روح من سپر بلاهای جان تو. ای ابالحسن! همواره با تو خواهم بود اگر تو در خیر و نیکی بسر میبری با تو خواهم زیست و یا اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی باز هم با تو خواهم بود.) [۸۱] چنین صفت شایسته و اخلاق الهی در تمامی زندگی حضرت زهرا(س) وجود داشت و در لحظه های آخر



حیات که واپسین سخنان خود را برای همسر بزرگوارش بیان می کرد، با هاله ای از ادب و احترام در آغاز کلام خود، کنیه علی (ع) را که نشان از احترام است بر زبان جاری می کند (یا ابوالحسن) و یا در فراز دیگری از سخنان خویش، بدون آنکه به خواسته های خود رنگ دستور و امر دهد، (سفارش و توصیه) می نماید (اوصیک) و در جمله ای همراه با عشق و سوز همسرش را به خدا سپرده (استودعک الله) و به تمامی فرزندان خود تا قیامت سلام می رساند (واقراء علی ولدی السلام الی یوم القیامه).

### پاورقی

- [۱] نگاه کنید به سوره ممتحنه آیه ۴ و ۶؛ سوره احزاب، آیه ۲۱؛ سوره بقره، آیه ۱۴۳ و سوره قصص، آیه ۷۹ (الگوی دنیاپرستان).
- [۲] رک: روانشناسی کمال الگوهای شخصیت سالم، دوآن شولتس، ترجمه گیتی خوشدل به نظریه های شخصیت یا مکاتب روانشناسی، دکتر علی اکبر سیاسی.
- [۳] نک: خاطرات سیاسی مستر همفر (دستهای ناپیدا) [دستورالعمل وزارت مستعمرات بریتانیای کبیر به جاسوسان انگلستان در کشورهای اسلامی جهت لکه دار کردن شخصیت عالمان مورد علاقه مردم و اندیشمندان تاءثیرگذار در جامعه].
- [۴] اسپنسر، فیلسوف معروف انگلیسی رک: اسلام بر سر دو راهی، پاورقی ص ۲۳.
- [۵] فرهنگ و تهاجم فرهنگی (مجموعه ای از سخنان رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای)، ص ۱۵ تا ۶۹ (با تلخیص فراوان).
- [۶] نک: تهاجم فرهنگی، گرد آمده از سخنرانیهای آیت الله مصباح یزدی.
- [۷] نک: سوره فرقان، آیات ۶۳ تا ۷۷ سوره مومنون، آیات ۱ تا ۱۱ سوره بقره، آیات ۳ تا ۱۰.
- [۸] رک: جامعه و تاریخ، استاد شهید آیت الله مطهری، ص ۶۴ و ۶۵ (انتشارات صدرا) انسان کامل، استاد مطهری، ص ۵ و ۶ (چاپ جامعه مدرسین).

- [۹] سوره آل عمران، آیه ۴۲ و ۴۳.
- [۱۰] سوره تحریم، آیه ۱۱.
- [۱۱] سوره مسد، آیات ۱ تا ۵ سوره تحریم، آیه ۱۰.
- [۱۲] سوره احزاب، آیه ۲۱.
- [۱۳] سوره بقره، آیه ۱۴۳.
- [۱۴] سوره ممتحنه، آیه ۴.
- [۱۵] وام گرفته از سخنان زرین حضرت امام خمینی در باره فاطمه زهرا(س) رک:  
صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۷۲.
- [۱۶] همان، ج ۶، ص ۱۸۵.
- [۱۷] همان، ج ۱۹، ص ۱۲۱ و ج ۶، ص ۱۸۵.
- [۱۸] دیوان حافظ، غزل ۱۲۲.
- [۱۹] سوره تحریم، آیه ۱۰.
- [۲۰] همان، آیه ۱۲ نک: زن در آئینه جلال و جمال، حضرت آیت الله جوادی آملی،  
ص ۱۳۴ تا ۱۳۷.
- [۲۱] نگاه کنید به صحیفه نور، ج ۶، ۱۲ و ۱۹ به مجموعه ای از سخنان والا گوهر حضرت  
امام خمینی در باره حضرت فاطمه(س).
- [۲۲] نک: سخن حضرت رضا(ع) در باره سخنان اهل بیت، درسآموزی آنان و تاءثیر هر  
یک در انسانها.
- [۲۳] رک: برای خوشبختی و موفقیت آفریده شده ایم، دکتر موریل جیمز و دوروتی  
جنگوارد، ترجمه دکتر حسن قاسم زاده.
- [۲۴] نک: شادمانی دل پیامبر(ص)، آیت الله رحمانی همدانی، ترجمه دکتر سیدحسن  
افتخارزاده سبزواری.
- [۲۵] برای مطالعه گسترده تر نگاه کنید به رساله حقوق امام سجاد(ع).

- [۲۶] رک: زن در آینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی.
- [۲۷] نک: نهج الحیاه، محمد دشتی.
- [۲۸] رک: مجموعه سخنان رهبر فرزانه انقلاب در ماههای مهر، آبان و آذر ۱۳۷۷ و چگونگی بررسی و تحلیل معظم له از ضرورت دشمن شناسی و بررسی شیوه های آن.
- [۲۹] نک: فلسفه احکام، مرحوم آیت الله احمد اهتمام، ج ۱.
- [۳۰] نک: نهج الحیاه، محمد دشتی، فاطمه من المهد الی اللحد، مرحوم قزوینی.
- [۳۱] نگاه کنید به تفاسیر المیزان، نمونه و الطیب البیان ذیل سوره بقره، آیه ۱۵ سوره آل عمران، آیه ۶۴ سوره نساء، آیه ۹ سوره توبه، آیه ۷۴ سوره اسراء، آیه ۵۳ سوره طه، آیه ۴ سوره لقمان، آیه ۱۹ سوره احزاب، آیه ۳۲ و سوره نباء، آیه ۳۵.
- [۳۲] نک: صلاهی صلابت، محمدسروش، ویژه نامه پیام زن آبان ماه ۱۳۷۶. خطبه الزهراء، ترجمه محمدرضا انصاری ترجمه و تفسیر خطبه حضرت زهرا(ع)، آیت الله مکارم شیرازی (کتاب فاطمه زهرا(ع) بانوی برتر).
- [۳۳] دیوان حافظ، غزل ۱۷۰.
- [۳۴] نک: آیات ۱۲۸ و ۱۲۹ از سوره بقره ۱۱، ۱۴ و ۳۵ از سوره نساء ۴۳ از سوره ص و ۵۵ از سوره مریم.
- [۳۵] برای آگاهی بیشتر از نظام خانوادگی در دوره ساسانی، هخامنشی، اشکانی و ایران باستان و اظهار نظرهای هرودت، استرابون، ژوستن و کریستن سن به کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران، اثر استاد شهید آیت الله مطهری، ص ۲۸۸ تا ۲۹۷ مراجعه کنید.
- [۳۶] نک: آیات ۵ از سوره مریم ۷۶ و ۹۰ از سوره انبیاء ۷، ۴۸، ۴۹ و ۵۰ از سوره نمل ۱۰، ۲۹، ۳۰ و ۳۱ از سوره طه ۲۹ از سوره قصص ۹۰ و ۱۰۲ از سوره یوسف و ۲۸ و ۳۴ از سوره احزاب.
- [۳۷] نک: آیات ۲۲۹ از سوره بقره ۱۲۸ از سوره نساء ۲۳۲ از سوره بقره ۵۵ از سوره مریم و ۱۳۲ از سوره طه.

- [۳۸] نک: آیات ۱۲۹ و ۱۲۸ از سوره نساء ۲۳۵ از سوره بقره ۶ از سوره تحریم ۳۵ از سوره نساء و ۶ از سوره الطلاق.
- [۳۹] مجمع البحرین، محمود عادل، ج ۱، ص ۲۰۶ (تفسیر واژه بصیرت با توجه به آیات متعدد قرآن در این باره).
- [۴۰] وقایع الایام خیابانی، جلد صیام، ص ۲۹۵ به نقل از نهج الحیاه، ص ۲۷۱.
- [۴۱] بحار الانوار، مرحوم علامه مجلسی، ج ۹۲، ص ۴۰۴ و ۴۰۵.
- [۴۲] سوره یوسف، آیه ۱۰۸. (ادعو الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی).
- [۴۳] نک: غایه المرام فی رجال البخاری، شیخ محمد بن داود البازلی شافعی، ص ۲۹۵ ملحقات احقاق الحق، ج ۲۳، ص ۴۸۹.
- [۴۴] رهی معیری پالایش نفس، ص ۳۰.
- [۴۵] رک: مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۴ مختصر تاریخ دمشق، ج ۱۷، ص ۱۳۳.
- [۴۶] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۹.
- [۴۷] رضی الله عنهم و رضوا عنه (سوره مائده، آیه ۱۱۹).
- [۴۸] لمعات الحسین، ص ۷۴.
- [۴۹] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۲۳ (باب ۴۷).
- [۵۰] ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا (سوره انفال، آیه ۲۹).
- [۵۱] حکمتها و اندرزها، استاد شهید آیت الله مطهری، ص ۱۶۹ تا ۱۷۱ (با تلخیص فراوان).
- [۵۲] نک: احیاء العلوم غزالی، ج ۲، ص ۳۵۴ و ۳۶۰ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۴۵ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷.
- [۵۳] فلسفه اخلاق، ص ۲۴۹.
- [۵۴] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷.
- [۵۵] سوره زلزال، آیه ۱ تا ۳.
- [۵۶] همان، آیه ۴.

- [۵۷] بهجه قلب المصطفی (شادمانی دل پیامبر(ص))، احمد رحمانی همدانی (ترجمه دکتر سیدحسن افتخارزاده سبزواری)، ص ۳۹۸ و ۳۹۹.
- [۵۸] نک: عوالم المعارف، ج ۱۱، ص ۲۲۸ (با تلخیص بسیار).
- [۵۹] شادمانی دل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۱۸۱.
- [۶۰] رک: الاحتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۷۱ و ۱۹۵.
- [۶۱] رک: الاحتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۷۱ و ۱۹۵.
- [۶۲] حضرت آیت الله حسن زاده آملی (راه وصال، ص ۱۷۹).
- [۶۳] نک: عوالم المعارف، ج ۱۱، ص ۱۳۰.
- [۶۴] بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۰۳ و ج ۹۳، ص ۱۴۷ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۱۹
- فضائل الخمسه، ج ۲، ص ۱۴۷
- [۶۵] بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۴
- [۶۶] ر.ک: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۱
- [۶۷] نهج البلاغه، نامه ۳۱، فراز ۱۱۸
- [۶۸] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ح ۱۴، ص ۱۲۳
- [۶۹] علامه طباطبایی میزان معرفت، احمد لقمانی، ص ۶۷ و ۶۸
- [۷۰] مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۲، ص ۵۵۱
- [۷۱] ر.ک: رافی، فیض کاشانی، ج ۳، ص ۱۱۷ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۵۰
- [۷۲] وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۲۵ و ۱۱۶
- [۷۳] مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۵۰
- [۷۴] همان، ج ۱۴، ص ۱۷
- [۷۵] عرفان اسلامی، حسین انصاریان، بحث ادب (با تلخیص فراوان).
- [۷۶] بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۹
- [۷۷] بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۲

- [۷۸] نهج الحیاه، محمد دشتی، ص ۲۱ و ۲۲.
- [۷۹] بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۲۷ الاختصاص، شیخ مفید، ص ۱۸۱.
- [۸۰] نهج الحیاه، ص ۱۴۷ و ۱۴۸.
- [۸۱] نک: زهره الرياض، کوب الدرّی، ج ۱، ص ۲۵۳ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۶ دلائل الامامه، ص ۴۲ احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۴۵۴.